

بررسی خلوت در معماری ایرانی و تاثیر نادیده گرفتن آن در معماری معاصر

سید محمود معینی^۱، مهرنوش زندی^۲

۱-استاد یار، گروه معماری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران (m.moeini.arch@yahoo.com)

۲-پژوهشگر کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، (zandishida@gmail.com)

چکیده

در عصر حاضر با توجه به رشد روز افزون جمعیت، متاسفانه با بحران کمبود عرصه فضاهای شخصی و خلوت مواجه هستیم. در این پژوهش سعی شده با بکارگیری از شیوه ها و تکنیک های طراحی سنتی کشورمان نظیر بحث سلسله مراتب و محرمیت که امروزه کمتر شاهد بکارگیری این عناصر ارزشمند در معماری کشورمان هستیم بازبینی به معماری گذشته و تلفیق آن با معماری عصر حاضر داشته باشیم و نتایج بدست آمده نشان می دهد از آنجا که اولین حضور انسان در خانه است باید معماری با ایدلوژی شان ارتباط نزدیک داشته باشد. پس طراحان و معماران باید با بهره گیری از فضاهای سنتی ایران فضاهای دیگری که امکان تفکیک داشته باشد در طراحی خود لحاظ نمایند .

کلمات کلیدی: خلوت، قلمرو، محرمیت، خانه ایرانی، فضای شخصی

۱- مقدمه

یکی از مهمترین ویژگی های روانشناسانه هر خانه مفهوم خلوت است که در تأمین آسایش روحی افراد خانواده و در نهایت آسایش محله و اجتماع نقش اساسی دارد. این مفهوم در خانه های سنتی ایران به خوبی مورد توجه قرار گرفته است و معماران سنتی با بکار گیری تدابیر مختلف سعی در بر آورده کردن این نیاز داشته اند. برخلاف آنچه در معماری امروز ایران رخ داده و آن نادیده گرفتن خلوت، محرمیت و امنیت بصری در ساختمان ها است. بی تردید توجه به الگوهای معماری سنتی و حفظ ارزش های آن در معماری معاصر می تواند تاثیر به سزایی در بالا بردن کیفیت خانه های امروزی داشته و رضایت مندی کاربران را تأمین نماید.

خانه به عنوان یک سرپناه امن و آرامبخش از ابتدایی ترین مسائلی است که انسان همواره با آن روبرو بوده و به دنبال راه حلی منطقی و مناسب برای تأمین آن است. انسان در زمان ها و مکان های مختلف عوامل و مفاهیم و عناصر متفاوتی را به کار گرفته تا به این هدف دست یابد. مفهوم خلوت در مقایسه با مفاهیم فیزیکی و مادی وابسته به خانه چندان مورد توجه طراحان و معماران قرار نگرفته است. در سالهای اخیر به دلیل رشد روز افزون جمعیت و به تبع آن تماس ها و تنش های بیشتر بین افراد نیاز به پرداختن به مفهوم خلوت ضروری تر به نظر می رسد. خلوت به معنای نیاز انسان به داشتن کنترل و نظارت لازم و کافی بر روابط و ارتباطات خود با دیگران است و اگر این نیاز انسان ارضا نشود شخص احساس تنش و تعارض می کند. لذا افراد برای رسیدن به خلوت مطلوب بسته به شرایط اجتماعی، فرهنگی و حتی سنتی خود از ابراز و رفتار های خاصی استفاده می کنند که به نتیجه مطلوب در طراحی مسکن دست یابند.

۲- بیان مسأله

اولین نقطه استقرار انسان خانه بوده است و به این معنا که نخستین فضایی که انسان برای استقرار و قرار یافتن خود برگزید خانه است، مسکن به معنای ساکن شدن (خلاف حرکت کردن) و منزل به معنای محل نزول و مستقر شدن است. انسان در طی سیر تاریخی خویش به منظور آنچه که در حرکت نمی یافت استقرار پیدا کرد واژه مسکن از ریشه سکنه به معنای هر

چیزی است که انسان به وسیله ی آن تسکین یابد ما به همان اندازه که احتیاج به هم نشینی با افراد و خانواده داریم به همان اندازه نیز احتیاج به داشتن محیط خلوت (با خود بودن و تفکر و عبادت) داریم. واضح است که انسان علاوه به نیاز به استقرار در خانه به محلی برای تسکین آلام روحی ، رها شده از برخی قیود اجتماعی ، استراحت به نحو دلخواه ، ارتباط با محرمان خود، خلوت کردن با خویش و راز و نیاز با خدا دارد. اگر خانه تأمین کننده نیازها نباشد مسکن به معنای خود نخواهد ماند. این مقاله با پرداختن به مفهوم خلوت به روش کیفی و با مروری بر تعاریف مختلف و بعضی نظریه هایی این جزوه به بررسی این مفهوم در حوزه فرهنگ اسلامی می پردازد و در ادامه به دو نسبت جدید خلوت خویش و خلوت خدا که در بالا نیز به آن اشاره شد را به مفهائیم مربوط به حوزه این نوع مطالعات می افزاید.

۳-اهداف و پرسش های تحقیق:

از آنجا که نخستین حضور انسان در معماری، در فضای سکونتی است و این فضا هنوز هم بزرگترین و گسترده ترین بستر تحقیق این زندگی است، یافتن عواملی که کیفیت محیط را به گونه ای تحت تاثیر قرار می دهند و نهایتاً موجب رضایت ساکنان از محل زندگی خود می شوند و فضایی خاطره انگیزی را برای ساکنان خود رقم می زند از پرسش های اولیه این پژوهش است که در بررسی خانه مسائل مختلفی مطرح می شود که از آن میان مسأله خلوت و قضایایی که می توانند در تحقق آن نقش بیابند و به نوعی در تأمین آن در خانه کمک نمایند . به عنوان یکی از مسائلی که کمتر بدان پرداخته شده مورد توجه این پژوهش قرار گرفته این است که:

خلوت چیست؟ و چگونه در معماری خانه های ایرانی ظهور می یابد؟

۴- روش شناسی تحقیق:

این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه ای و مطالعه پایان نامه و مقالات و سایت های معتبر اینترنتی به روش تحلیل و توصیف صورت گرفته است.

۵- پیشینه تحقیق:

- نقش قلمروها تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظامهای اجتماعی و تأمین کننده خلوت است قلمروهای اولیه مثل فضاهایی خصوصی (خانه) به راحتی قابل تشخیص است ولی تشخیص قلمروهای ثانویه فضاهای عمومی و مشترک گاه دشوار است. قلمرو مکانی فضای محدود شده ای است که افراد و گروه ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می کنند. (لنگ ۱۳۸۱: ۱۷۰)

- اگر روان شناسی اجتماعی، مطالعه نحوه ی تعامل مردم با یکدیگر و نحوه تاثیر حضور واقعی یا ضمنی دیگران بر افکار و احساسات و رفتار و مقاصد مردم تعریف شود. هر الگوی جاری رفتار آدمی در تعامل با مسکن، نیازمند سطح مطلوبی از ارتباط فردی در برابر تعاملات اجتماعی است. (فرکاس ۱۹۴۷: ۱۶)

- علت نامطبوع بودن احساس ازدحام کاهش در کنترل شخصی است دسور نشان داده است که چگونه دیوارها و تیغه ها، جای درها و دیگر ویژگی های معماری ساختمان، می تواند احساس ازدحام را تغییر دهد و این که فضا هر چه بیشتر انعطاف داشته باشد فرد کمتر احساس ازدحام می کند (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۹۳)

- حسین الشراوی در رساله دکترای خود در دانشگاه پنسیلوانیا تحت عنوان (قلمرو گرایی) طراحی مدلی را که به طور مستقیم به طراحی محیط ربط داشته باشد در چهار گونه قلمرو و پیوسته (شخصی) مرکزی (خصوصی) حامی (نیمه خصوصی) و پیرامون (عمومی) تعریف کرده است.

۶- خلوت

مفهوم خلوت در چندین رشته از علوم انسانی و از جمله در روانشناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی حقوق و ... معماری به کار رفته و بررسی شده است. خلوت فرایند نظارت بر مرز خود دیگری است. خلوت توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و پویایی با دیگران است.

خلوت را توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد تعریف کرده است (لنگ ۱۳۸۱: ۱۶۵). بنابراین خلوت از جهت رابطه بین فرد و گروه و مابقی جامعه قابل اهمیت است. فرد و همین‌طور گروه، گاه نیاز به با دیگران بودن دارد و گاه نیاز به جدا بودن از دیگران بر خلاف انتظار، تحقیقات نشان می‌دهد که در افراد برون‌گرا نسبت به افراد درون‌گرا، نیاز به خلوت بیشتر است (جان لنگ ۱۳۷۶: ۱۷۶).

تامین خلوت مطلوب برای ساکنان هر خانه و همسایگان، در روابط اجتماعی فی‌مابین، افزایش تعاملات اجتماعی در فضا را نشان می‌دهد. تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی حاکی از نیمه خصوصی و عمومی در مسکن ایرانی و ارتباطات همسایگی، افزایش تعاملات اجتماعی بوده است. تعدادی از تعاریف مفهوم خلوت از برخی نظریه پردازان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: تعاریفی از مفهوم خلوت از دید نظریه پردازان

تعاریفی از مفهوم خلوت	نظریه پردازان
چیزی غیر از گوشه‌گیری از جمع و تمایل به انزوا	اسوارتس
کنترل محرک‌های دریافتی از دیگران، میزان اطلاعات و فاصله افراد از یکدیگر	زیمل ۱۹۵۰
ارزش تنها ماندن و آسودگی از فشار حضور دیگران	چاپین ۱۹۵۱
این احساس فرد که دیگران باید از آنچه برای او مهم است جدا و دور باشند، و در ضمن اذعان به اینکه دیگران نیز حقی از آن چیز ندارند.	بیس ۱۹۶۴
رسیدن و آزادی انتخاب و تعیین اهداف لازم برای نظارت بر اینکه در مورد خود چه اطلاعاتی را انتقال دهیم	ایتلسون، پروشانسکی، ۱۹۷۰
...توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و ساز کارهای لازم برای جلوگیری از تعامل دست‌یابی به رابطه مطلوب ...	راپاپورت ۱۹۷۲
دوری و نزدیکی فرد به دیگران و آزادی انتخاب در مورد رابطه با دیگران	آلتمن ۲۰۰۱

مأخذ: آلتمن، ۲۰۰۱: ۲۲

۷- خلوت در حوزه فرهنگ اسلامی:

در فرهنگ اسلامی درباره خلوت نسبت های دیگری نیز مطرح است: نسبت فرد با خود و نسبت فرد با خدا. خلوت جویی یا خلوت گزینی اگر در مباحث مربوط به خلوت، گاه مورد تأیید و گاه مردود شناخته شده است ناظر به اهدافی بوده است که در حوزه شخصی یا اجتماعی معنا می شده است، حال آنکه در فرهنگ اسلامی با توجه به اهمیت و در نظر گرفتن نسبت فرد با خود و خدا بزرگان آن، بویژه عرفا، ضمن تأکید این موضوع در خلوت گزینی به جست و جوی نوعی رشد فردی بر آمده اند. به طور مثال نجم الدین رازی از عرفای بزرگ قرون ششم و هفتم بحث مفصلی در این خصوص دارد و برای تحقق صحیح آن شرایطی شمرده است (مرصاد العباد، ۱۳۶۶: ۱۳۴) بدانکه بنای سلوک راه دین و وصول به مقامات یقین بر خلوت و عزلت است و انقطاع از خلق، و جملگی انبیاء و اولیاء در بدائت حال داد خلوت داده اند تا به مقصود رسیده اند. وی با تأکید بر چهل روز خلوت نشینی اضافه می کند: و نشستن اربعینات را شرایط و آداب بسی است، اما آنچه مهمتر است هشت شرط است که اگر یک شرط از این شرایط به خلل باشد مقصود کلی از خلوت به حصول دشوار پیوندد. و تعیین عدد هشت به هشت بهشت است که بهشت دل را هشت در است، هر شرطی از شرایط خلوت کلید درگشای یک در است، اگر شرطی فروگذارند یک در بسته ماند. در توضیح شرایط مذکور و به عنوان شرط اول می نویسد: اول شرط تنها در خانه خالی نشستن است، روی به قبله آورده مربع، دستها بر ران نهاده، غسل کرده به نیت غسل مرده و خلوتخانه را لحد خویش شمرده و از آنجا جز به وضو و حاجت و نماز بیرون نیاید. چنان که مولوی می گوید: من نخواهم شد از این خلوت برون / زانکه مشغولم به احوال درون، این معنای از خلوت از سایر عرفا نیز فراوان نقل شده است. بنابراین عطف به این تعبیر از خلوت، دو نسبت دیگر نیز می توان به فهرست فوق اضافه کرد: نسبت شخص با خود و نسبت شخص با خدا. از قضا این دو نسبت همواره در فرهنگ اسلامی مستحسن و لازم مثال در عبادات شناخته شده است. با توجه به این که مفهوم خانه چیزی است که ما را از بیرون به درون خود دعوت می کند، آن ظرفی که امکان حرکت بیرون به حرکت درونی را فراهم کند، خانه نامیده می شود. اگر در شرایط کنونی به حس خودمان نسبت به خانه مراجعه کنیم، احساس می کنیم از و شور و آن همه حرکت که در بیرون اتفاق می افتد، به خانه آن شر پناه می بریم و تجدید قوا می کنیم. انسان هنگامی که مستقر می شود امکان آن را پیدا می کند تا به سمت یافتن خویشتن خویش برود. چون هنگامی که انسان مستقر می شود از دویدن و توجه به عالم بیرون و عالم حرکت منصرف می شود. هنگامی که مستقر می شود فرصت این

را پیدا می کند که متوجه خود شود. در واقع یافتن حقیقت، نیاز به یک سفر درونی دارد و خانه محل این سفر درونی است. خانه مکانی است که انسان خویشتن و حقیقت خویش را در آن می یابد و باید بیابد. هنگامی که انسان در خانه قرار می گیرد، باید بتواند همه آن نایافتنی های بیرون از خویش را در درون خانه بیابد.

۸- خلوت در معماری:

برای انسان - بویژه انسان دیندار - چهار نوع رابطه وجود دارد: رابطه با خود، رابطه با دیگران، رابطه با طبیعت و رابطه با خدا. از سوی دیگر خانه نیز به عنوان ظرف زندگی انسان، می باید تأمین کننده این چهار نوع رابطه باشد. خانه باید امکانی فراهم بیاورد که هر انسانی هنگامی که در آن حضور دارد، رابطه ی درستی با خود برقرار کند و متأسفانه این همان کیفیتی است که امروزه تقریباً تمام خانه ها فاقد آن هستند. در معماری تمدن اسلامی مشاهده می کنیم که به طور خاص در بعضی بناهای اجتماعی مثل مسجد، خانقاه یا مدرسه، مکان هایی به این امر اختصاص داده شده است. مکان هایی که به زاویه یا گوشه یا خلوتخانه نیز شهرت دارند که "ساکلان الی الله" در آنها جای گیر می شدند و برای انجام عبادات خویش مثل اعتکاف یا چله نشینی به سر می برده اند.

علی رغم کامل نبودن مصادیق در دسترس و در غیبت مسکن دوره های قبل از قاجار، اگر چه چنین مکان هایی در بناهای مسکونی کاملاً در اختیارمان نیست، ولی میتوان از بعضی گزارشهای تاریخی یا حتی مبتنی بر تحلیل این امور عبادی، فضای خاص - یا امکان ایجاد فضای خاص - در گستره خانه را حدس زد یا در نظر گرفت؛ چرا که وقتی در فضاهای پر جنب و جوش اجتماعی برای این امر فضایی در نظر گرفته می شد، به علت اولی وجود آن برای فضایی مسکونی شخصی نیز می تواند توجیهی بیابد، بویژه این که از سایر منابع تاریخی مثل داستانها و روایات استنباط میشود که برای عبادت در خانه فضاهایی خاص این امر وجود داشته است. صندوق خانه ها، پستوخانه ها، زاویه ها، کنج ها و انواع فضاهایی که وجود داشته مصادیق آن فضاها هستند. خانه هایی با این کیفیت این امکان را در اختیار انسان قرار می دهد تا با خویش خلوت کند و به مراقبه و محاسبه بپردازد، در خویش تأمل کند، خویشتن و حقیقت خویش را جستجو کند و بیابد و این ممکن نیست جز اینکه فضای مسکونی چه

از لحاظ جزء فضا، زاویه یا گوشه، بخصوص در بالاخانه ها و یا اتاق گوشوار، که امروزه برای آن عملکرد مشخصی نمی شناسند و گاهی وجود آنها را فقط به ایجاد تناسب یا قرینه سازی معمار در بنا نسبت می دهند و چه از لحاظ امکان تحقق آن، اجازه چنین کاری را بدهد.

۹- خلوت در خانه های معاصر ایران

فناوری جدید رابطه میان خیابان و خانه و فضای عمومی و خصوصی را در بسیاری از شهرهای امروزی تغییر داده است. اکنون سکونت یک فضای خصوصی نسبی را به وجود می آورد. در دنیای توسعه یافته دیوارها و درهای خانه های ما شاید رایج ترین مکانیزم هایی هستند که برای اداره حریم خصوصی و خلوت به کار می روند و در بیشتر موارد هیچ توجهی به این مساله نشده و راه کار خاصی برای حفظ و تامین آن در نظر گرفته نشده است. امروزه در مجموعه های مسکونی نه خلوت دیداری قابل تامین است و نه خلوت شنیداری وضعیت مطلوبی دارد. پنجره هایی که کاملا روبه روی هم قرار گرفته اند و دید مستقیم به دیگری دارند به طوری که ساکنین خانه ها برای حفظ خلوت و حریم خصوصی خود از دیدن ساختمان های بلند مجاور ناچار به استفاده دائمی از پرده و غیره می باشند، که نمونه هایی از تجاوز خواسته یا ناخواسته همسایه ها به حریم یکدیگر است. محل قرارگیری درب های ورودی آپارتمان ها نیز معمولا به گونه ای است که در صورت باز بودن درب خانه هر رهگذری به راحتی می تواند به درون خانه دید داشته باشد.



از نظر خلوت شنیداری هم وضعیت مطلوبی وجود ندارد. دیوارهای بین واحدهای آپارتمانی و فضاهای مشترکی مثل نورگیرها و حیاط خلوتها به گونه ای هستند که به انتقال صدا در قسمت های مختلف خانه کمک کرده است و موجبات نارضایتی ساکنین هم از شنیدن ناخواسته صداهای مزاحم اطراف و هم از عدم تامین امنیت صوتی برای خودشان را به بار می آورد. ساختمان های بلند امروزی بر ساختمان های کوتاه تر اطراف سایه افکنده و گذشته از دید و اشراف بر آن ها مانع رسیدن نور طبیعی و آفتاب به این ساختمان ها شده و بدین ترتیب محل آسایش و آرامش همسایگان شده اند.

۱۰- معماری ایرانی

معماری در ایران بیش از ۶۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد. این معماری نه تنها فراتر از مرز جغرافیایی ایران امروزی نمودی بارز دارد بلکه از نظر تنوع، پهنه وسیعی را در بر می گیرد. عناصر طراحی نیز در معماری ایرانی از قدمتی ۳ هزار ساله برخوردار است. این عناصر از تالار گوردخمه ها گرفته تا سقف چهارطاقی ها و چهار ایوانی ها همواره در دوران های مختلف حضور داشته و تأثیر گذاری خود را در زندگی امروز نیز حفظ کرده اند. در واقع معماری ایرانی دارای استمرار بوده که هر چندبارها بر اثر کشمکش های داخلی و هجوم های خارجی دستخوش فطرت یا انحراف موقتی بوده، با این همه به سبکی دست یافت که با هیچ سبک دیگری اشتباه نمی شود. در ایران معماری آثار تاریخی در عین اینکه دارای مفهوم و هدف دینی و آینی است، مانند سایر نقاط جهان وابسته به عواملی چون اقلیم، مصالح موجود، فرهنگ منطقه، فرهنگ همسایه، دین و آیین و باور و بانی بناست. (نورآقایی، ۱۳۸۶)

در معماری ایرانی دالان، فضای ارتباطی بیرون و درون به شمار می رود. فضای دالان در معماری خانه های ایرانی چنان اهمیتی می یابد که به جرأت می توان آنرا جوهر اصلی فضاهای خانه ها، دانست. در این فضا است که گسستن از بیرون و پیوستن به درون به تدریج حاصل می شود. زندگی جهانی بیرون، صداها، رنگها، و حرکت در فاصله زمانی که در این فضای میانجی طی می شود، کم کم محو می گردد. این فضایی است که واسطه میان بشریت (میدان برون) و روحانیت (شبستان درون)، عالمی است

میان جسم و روح و سیری است برای رساندن انسان به نیستی و به هیچ، و جایی که از بند حواس رهایی یابد و ظواهر و زوائد را بشناسد و از خود دور کند، خود را درک کند و به دریای حقیقت بپیوندد و راه رسیدن به فطرت را طی کند. (فیروز بهر، ۱۳۸۸)

در جامعه سنتی، آثار معماری، آثاری مصنوع و منفک از خلقت نبود؛ بلکه جزئی از آن شمرده می شد. از این رو، معمار نهایت هنر خود را این نمی دانست که اثری متباین با طبیعت بسازد؛ بلکه در این می دانست که اثر او، هم در عمل آسیبی به طبیعت نرساند و هم در سیمای خود با طبیعت متباین نباشد. در عالم پیش از مدرن، معمار خود را مستحیل در جامعه و معیارهای آن می دید و وظیفه خود را در نهایت، بهبود بخشیدن آن ضوابط می دانست. نوآوری در آن زمان نیز ممدوح بود؛ اما مفهومی دیگر داشت. نوآوری به معنای در انداختن طرح های تازه در چهارچوب زیباشناسی مقبول و با حفظ اصولی بود که سنت ایجاد می کرد. تجاوز از این حدود را نه نوآوری ممدوح، بلکه بدعت مذموم می شمردند و خود را موظف به بهره گیری از تجارب هزاران ساله معماران پیش از خود در فراهم آوردن سکونت گاه مطلوب انسان می دانستند. (قیومی بیدهندی، ۷۵-۷۴)

۱۲- فضای ورودی بناهای درونگرا

« فضاهای ورودی بناهای درونگرا دارای دو نما هستند. نخست نمایی که از بیرون دیده می شود و دوم نمایی که از

درون (درون فضای باز داخلی) مشاهده می گردد. «(سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۶۶)

«فضای ورودی، یک فضای رابط و اتصال دهنده است، زیرا بسیاری از بناها به خصوص بناهای قدیمی درون گرای واقع

در بافت های پیوسته از لحاظ کالبدی، کارکردی و بصری غالباً تنها از طریق فضای ورودی با معبر یا سایر فضاهای عمومی، پیوند و ترکیبی فعال می یافته اند، چون بیشتر این گونه بناها فاقد نماهای بیرونی طراحی شده ای بودند. به این سبب فضای

ورودی یک فضای ارتباطی و اتصال دهنده یک بنا با محیط پیرامونش می باشد. «(سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۷۲)

« در ورودی هر بنا را می توان مهمترین عامل در نظارت بر ارتباط دانست . در عمومی ترین و ساده ترین شکل ، با بسته شدن در ورودی ، ارتباط قطع می شود و سپس در هر زمان که مالکان یا استفاده کنندگان از فضا اراده نمایند، این ارتباط را به صورت دلخواه (در زمان های مختلف و برای افراد گوناگون) می توانند ایجاد کنند . وجود دو نوع وسیله آگاه کننده : کوبه و حلقه، در روی درهای ورودی برای مردان و زنان ، همچنین وجود ورودی های جداگانه برای زنان و مردان در بعضی مسجد ها ، ورودی های جداگانه برای بخش بیرونی و اندرونی در برخی از خانه ها ؛ نمونه هایی از شیوه های مربوط به کنترل ارتباط است. نظارت بر ارتباط با روش های گوناگونی صورت می گرفته است . یکی دیگر از این روش ها ، نحوه طراحی فضای ورودی به گونه ای است که هدف یا هدف های لازم را در چگونگی ایجاد ارتباط بین یک فضا با فضاهای پیرامون آن تأمین نماید. در خانه ها که نمی خواستند یک شخص نامحرم از جلوی فضای ورودی به داخل خانه دید داشته باشد و نیز برای تأمین حداکثر امنیت سعی می کردند مسیر حرکت در داخل فضای ورودی را تا حد امکان طولانی نمایند.» (سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۷۳)

«در بسیاری از تالارها یا اتاق ها به طور معمول در ورودی در دهانه میانی دیوارهای جانبی قرار داده می شد. به این ترتیب فضای داخلی اتاق به دو ناحیه که در مواردی به اصطلاح رایج بخشی از آن را بالای اتاق و بخش دیگر را پایین اتاق می نامیدند ، تقسیم می شد . بالای اتاق محل استقرار بزرگ تر ها بود . به این ترتیب محل ورود به اتاق در میان دو حوزه فوق که فضا را به دو بخش تقسیم می کرد، قرار داشت. در بعضی خانه ها به ویژه خانه های بزرگ طراحی شده ، بین فضای تالار و دو اتاق گوشوار طبقه فوقانی واقع در دو سوی آن از طریق پنجره های ارسی یا سطوح مشبک ارتباط بصری پدید می آمد تا در برخی از مجالس و میهمانی ها ، زنان واقع در اتاق های گوشوار طبقه فوقانی بتوانند مجلس واقع در تالار را تماشا کنند ، بدون آنکه به صورتی روشن دیده شوند . این نوع طراحی برای رعایت موضوع محرمیت و متمایز شدن مجالس بزرگ مردانه از مجالس زنانه صورت می گرفت. در میهمانی های کوچک خویشاوندان نزدیک ، همه در یک فضا مستقر می شدند . (سلطان زاده: ۱۳۷۴: ۱۸۷)

۱۳- محرمیت و امنیت

« برای حفظ محرمیت ساکنان یک فضا ، مسیر فضای ورودی را به صورت پیچ در پیچ و غیر مستقیم طراحی می کردند ، به نحوی که از جلوی درگاه یا هشتی نتوان فضاهای داخلی را مشاهده کرد . این هدف بیشتر در طراحی فضای ورودی خانه های درونگرا در نظر گرفته می شد . البته در برخی موارد برای تأمین امنیت بیشتر برای ساکنان یک فضا نیز مسیر دسترسی را پیچ در پیچ می ساختند . » (سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۸۴)

معمار ، به صورت تعمدی ، فضا را به گونه ی طراحی می کرد تا مسیر رسیدن به درون خانه، طولانی و پیچ در پیچ باشد ، تا ساکنین از دید دیگران در امان باشند و امنیت و آرامش برای ایشان فراهم شود . از یک جهت فضای پیچ در پیچ امکان رؤیت شدن فضای درونی را نمی دهد و از طرف دیگر زمان بیشتری صرف می شود تا افراد به درون خانه وارد شوند و امکان آمادگی بیشتری برای میزبان فراهم می آورد . « یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درون گرا ساخته است . معماران ایرانی با سامان دهی اندام های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد. » (نورآقایی، ۱۳۸۶)

هنوز با وجود اینکه معماری ایرانی از معماری سنتی خود فاصله گرفته است؛ اما خصوصیات خانه های سنتی بیشتر پسندیده می شود . گرچه افراد در خانه های سنتی زندگی نمی کنند و تلاش می کنند که خود را با معماری مدرن وفق دهند اما در اذهان خود، همچنان یک خانه مطلوب، خانه سنتی است . آرامش ، امنیت ، محرمیت و خلوت از جمله اصولی هستند که در خانه های سنتی رعایت می شود .

شاید بتوان گفت که خانه های امروزی بیشتر از آنکه مکانی باشند برای خلوت ، آسایش ، آرامش و رجوع به خانواده ، بیشتر به خوابگاه تبدیل شده است . افراد در بیشتر ساعات، بیرون از خانه هستند و تمامی فعالیت ها و حتی مهمانی ها و دورهم جمع شدن را به بیرون از خانه ارجاع می دهند و ساعات پایانی روز، به خانه می آیند . خانه باید برای ساکنین خود ، خلوت و

آرامش را به ارمغان بیاورد. اهل خانه باید از دیده شدن و شنیده شدن در امان باشند؛ امری که در آپارتمان های امروزی به ندرت رخ می دهد. خلوت و محرمیت در معماری امروزی ایرانی جایگاهی کم رنگ دارد.

۱۴- نتیجه گیری

معماری با ایدئولوژی مردم ارتباط نزدیک دارد و معمار باید بنا و ساختمان را بر اساس تفکرات، باورها و فرهنگ مردم سرزمین بسازد؛ اما آنچه که امروزه شاهد آن هستیم این است که در معماری توجهی به ایدئولوژی مردم نمی شود. معماری قدیم، آرامش و امنیت را برای ساکنین خود به ارمغان می آورد. افراد از بودن در خانه، لذت می بردند. در حالی که امروزه، لذت و خوشگذرانی باید در بیرون از خانه شکل بگیرد، خانه دیگر مکانی نیست که بتواند خلوت و آرامش را برای ساکنین خود فراهم آورد و افراد مهمانی های خود را در رستوران و هتل برگزار می کنند و برای آرامش خود و اینکه بتوانند دقایقی را خلوت کنند، به پارک های شهر می روند. خانه که قبلا کارکردهای فراوان داشت و فضاهای زیادی در آن طراحی می شد، اکنون هم فضاهای خانه و هم کارکردهای آن به شدت تقلیل یافته است و این امر در روحیه ساکنان بسیار تأثیر گذار است.

با توجه به مطالب گفته شده این نتیجه حاصل می شد که مفهوم خلوت در اکثر خانه ها در پستو، صندوق خانه و خلوت خانه (تنها در یک خانه ایران) تعریف می شود که باعث تفکر، حضور و آرامش قلب و برآوردن نیازهای معنوی است. این نیز نشانگر آنست که ساکنان مسکن ایرانی علیرغم تغییراتی که در معماری دوره های اخیر در آن داده شده است، هنوز به مساله (نیاز به خلوت) می اندیشد و حتی اگر همچون گذشته در مساکنشان فضای ویژه ای مثل بالا خانه یا گوشواره تعبیه نشده باشد، از فضاهایی همچون پستو برای پاسخ به آن نیاز بهره می گیرند. با این مقدمه به نظر می رسد چندان بی وجه نباشد که طراحان معمار مسکن ایرانی، فضاهایی دیگر - که امکان تفکیک داشته باشد- در طراحی فضاهایی مسکن لحاظ نمایند.

منابع :

۱. آلمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتارهای اجتماعی : خلوت ، فضای شخصی ، قلمرو، ازدحام ترجمه : علی نمازیان، ویراستار جواهر افسر ، مرکز چاپ و انتشارات شهید بهشتی ، تهران
۲. محمود ارژمند، سمیه خانی ۹۱/۰۲/۳۰ نقش خلوت در معماری خانه ایرانی
۳. بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۰) هویت معنایی و معنوی معماری ، «اطلاعات حکمت و معرفت»، تهران
۴. حجت مهدی (۱۳۸۷) مجموعه گفتارهای در باره خانه مرکز هنر پژوهشی نقش جهان، تهران
۵. راپاپورت، آموس (۱۹۲۹) انسان شناسی مسکن، افضلیان، خسرو (۱۳۸۸) حرفه هنرمند، تهران.
۶. سلطان زاده ، حسین (۱۳۷۲) «فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران»، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی ، تهران.
۷. سلطان زاده ، حسین (۱۳۷۴) «نابین، شهر هزاره های تاریخی»، دفتر پژوهش های فرهنگی ، تهران.
۸. سلطان زاده، حسین. معماری داخلی خانه های درونگرا در اقلیم گرم و خشک ایران، «نشریه معماری و فرهنگ»، شماره ۲۸.
۹. فیروز بهر ، سامان (۱۳۸۸) ۱۴۰۴۷۷۹-۱۴۰۳۰۴۰-۱۱۵۰۳۰۴۰ <http://www.cloob.com/timeline/post-11503040-1404779>
۱۰. قیومی بیدهندی، مهرداد، آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه، «صفه»، شماره ۴۲.
۱۱. نجم الدین رازی (۱۳۶۶)، برگزیده مرصادالعباد، انتشارات توس .چ دوم.
۱۲. نور آقایی ارش (۱۳۸۶) معماری ایرانی ؛ معماری درون گرا نشریه تهران امروز
۱۳. هال ، ادوارد توییچل (۱۳۷۶) بعد پنهان ترجمه منوچهر طبیبیان ترجمه انتشارات دانشگاه تهران